

بررسی آغاز بندی ۱۰ منظومه‌ی حماسی

فرهاد محمدی^۱

دکتر احمد ذاکری^۲



چکیده

آغاز بندی هر اثر از سویی نشان دهنده‌ی هنرمندی و بلاغت صاحب اثر خواهد بود چه شاعر یا نویسنده با آوردن براعت استهلال یا نگارش دیباچه در آغاز در حقیقت تم و لب اثر خود را بیان می‌کند همچون کشاورزی که دست چین ترین میوه‌ی خود را بروی بار قرار می‌دهد. از دیگر سو آغازبندی نشان دهنده‌ی جهان‌بینی فلسفی، دینی و سیاسی صاحب اثر خواهد بود. از آغاز بندی منظومه‌های فارسی به آسانی می‌توان به جهان‌بینی و نوع اندیشه‌ی سراینده‌ی آن پی برد.

کلید واژه: شاهنامه، حماسه‌ی منظوم، گرشاسب نامه، شرفنامه، جهانگیر نامه

۱ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی، کرج- ایران -

۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی، کرج- ایران -

مقدمه

با توجه به منظومه‌های حماسی موجود در ایران و این که قرن چهار و پنج دوران شکوفایی حماسه‌های ملی است باید اذعان داشت شاهنامه‌ی فردوسی اثر جاویدان سخنور طوسي سرآمد حماسه‌های ملی است. پس از وی بسیاری از شعر ادرصد پیروی و خلق اثری مشابه برآمدند که البته موقعيتی چشمگیر نیافتند. چرا که فردوسی ایمانی با ثبات و یقینی مستحکم را در بیت بیت اشعارش منتقل می‌کرد که این اثر را از هر گونه تقلیدی کورکورانه مصون می‌داشت.

اما نکته‌ای که نگارنده قصد دارد در این تحقیق به بحث و بررسی در آن بپردازد، آغاز بندی در چند اثر حماسی است. آغاز بندی همان طور که از نام آن پیداست شروع و ابتدای هر موضوعی است. که در اینجا سعی می‌شود قسمت‌های آغازین هر حماسه که شاعر در ابتدا به آن می‌پردازد و سپس وارد موضوع اصلی حماسه می‌شود مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این موضوع و نقد نه تنها باعث شناخت بهتر نسبت به شاعر منظومه می‌شود بلکه اعتقادات و سبک و سیاق مذهبی و نگرش وی را به حماسه نیز منعکس می‌سازد.

شاهنامه‌ی فردوسی مرجعی بر آغاز بندی دیگر منظومه‌های حماسی شاهکار فردوسی استاد طوسي به حق جاودانه ترین اثر حماسی در ادب فارسي و از کم نظیرترین آثار حماسی در جهان است و باید گفت هر چه اثر حماسی پس از این اثر بزرگ سروده شد تقلیدی از شاهنامه‌ی فردوسی بود. هر چند خود فردوسی حدود ۱۰۰۰ بیت از گشتاسب نامه‌ی دقیقی را آورده اما هر خواننده‌ای تفاوت اثر دقیقی را با شاهکار فردوسی در می‌یابد. اما در این مقوله که بحث ما بر سر آغاز بندی در منظومه‌های حماسی است باید گفت: فردوسی آغاز کتاب را با ستایش پروردگار

و بیت معروف «به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد» آغاز می‌کند (شاهنامه‌ی فردوسی، جلد ۱، ص ۱۱). در این نوشتار سعی می‌شود تا آغاز بندی ۱۰ منظومه حماسی با یکدیگر تطبیق داده شده و بررسی شوند.

آغازبندی در شاهنامه به صورت زیر است که ابتدا عنوان آغاز بندی در شاهنامه بررسی و سپس عنوانین دیگر منظومه‌ها آورده می‌شود.

تعريف تنزیه:

در لغت به معنی دور داشتن خود از زشتی و بدی، پرهیزکردن و اجتناب کردن از چیزهای زشت است و در اصطلاح کلام به معنی دور بودن خدای تعالی از اوصاف پسری است. (لغت نامه‌ی دهخدا، ج اول، ص ۷۸۸)

تنزیه و توحید بیانگر پرسش خدای یگانه و توحید بر پایداری اندیشه‌ی ناب که همان خردورزی است، شکل گرفته است.

۱- گفتار اندر (تنزیه و توحید) خداوند در ۱۵ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنما

۲- (تنزیه و توحید) پروردگار در ۱۸ بیت در گرشاسب نامه‌ی اسدی طوسی:

سپاس از خدا ایزد رهنما	که از کاف و نون کرد گیتی بپای
یکی کش نه آز و نه اباز بود	نه انجام باشد نه آغاز بود

۳- (تنزیه و توحید) ایزد بخشاینده در ۹۰ بیت در شرف نامه‌ی نظامی:

خدا، جهان پادشاهی تراست	زماء خدمت آید خدایی تراست
پناه بلندی و پستی تویی	همه نیستند، آنچه هستی تویی
	(شرف نامه، ص ۲)

۴- (ستایش و مناجات باری تعالی) در ۹۶ بیت در شرف نامه:

تویی یاوری بخش و یاری رسم تو دادی، همه چیز من چیز توست	بزرگا، بزرگی دها، بی کسم نیاوردم از خانه چیزی نخست
-----------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------

۵- (تنزیه و توحید) ایزد بخشاینده در ۱۵۶ بیت در حمله‌ی حیدری نامه:

به نام خداوند بسیار بخش همه کار دنیا و دین کردگار	خدابخش و دین بخش و دینار بخش از این هر ۳ نعمت به خود آشکار
------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------

(حمله‌ی حیدری نامه، ص ۲)

۶- (استغفار به درگاه قاضی الحاجات) در ۴۲ بیت در حمله‌ی حیدری نامه:

کنون می‌روم بر سر داستان ایاغی که تخمیرش از می‌بود می‌ش پرتو نور ایمان بود	بگویم زفرا موده‌ی راستان
-------------------------------------------------------------------------------	--------------------------

۷- (تنزیه و توحید) دادگر در ۶ بیت در فرامرز نامه:

به نام خداوند روزی دهان به توفیق آن قادر کردگار	یکی قصه آرم برون از نهان کنم نظم‌ها چو در شاهوار
----------------------------------------------------	-----------------------------------------------------

(فرامرز نامه، ص ۵۵)

۸- (تنزیه و توحید) پروردگار در ۲ بیت در جهان گیر نامه :

به نام جهان آفرین کردگار خدایی که هوش و روان آفرید	که پذرفت از نامش عالم قرار به یک مشت خاکی توان آفرید
-------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------

۹- (تنزیه و توحید) پروردگار در ۴۷ بیت در ظفرنامه‌ی حمد الله مستوفی:

به نام خداوند جان و خرد خداوند نام و خداوند جان	کزین برتر اندیشه بر نگزرد خداوند روزی ده رهنما
----------------------------------------------------	---------------------------------------------------

۱۰ - (تنزیه و توحید) خداوند در ۷۹ بیت باعنوان (تویی آفریننده‌ی هر چه هست)

درخواون نامه‌ی ابن حسام:

سخن نقش بستم به نام خدای خداوند بخشندۀ مهربان	نخستین بدین نامه‌ی دلگشاپی خداوند هوش و خداوند جان
--------------------------------------------------	-------------------------------------------------------

گفتار اندر ستایش خرد :

در این بخش تاثیر فرهنگ باستان ایران که بر مبنای حکمت و خرد است از سویی گرایش شاعر از لحاظ معتزلی یا اشعاره بودن وی پیداست.

- (گفتار اندر ستایش خرد) در ۱۸ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

کنون‌ای خردمند وصف خرد خرد بهتر از هر چه ایزد بداد	بدین جایگه گفتن اندرخورد ستایش خرد را به از راه داد
-------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------

- (گفتار اندر ستایش خرد) در ابیاتی از گرشاسب نامه:

کزین برتر اندیشه بر نگذرد نه اندیشه بشناسد او را که چون	به نام خداوند جان و خرد بزرگیش ناید بر هم اندرون
------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------

- (گفتار در ستایش خرد و عقل) در ۴۳ بیت در سام نامه:

ستایش خرد را به از روی داد خرد دست گیرد به هر دو سرای	خرد برتر از هر چه ایزد بداد خرد رهنمای خرد دلگشاپی
----------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------

- (گفتار در ستایش خرد و عقل) در ۱۶ بیت در بهمن نامه:

همی باز جویی زیزدان تو راز در این تیره کیهان چرا آمدی	نخست از خرد مایه‌ی خویش ساز بدان تا چه‌ای وز کجا آمدی
----------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------

- (در جایگاه خرد و جایگاه شریف انسان) در حدود ۳۰ بیت در خاوران نامه:

خرد کارفرمای و اندیشه کن که بر آفرینش به رفعت سریم	پرستیدن دادگر پیشه کن بیا تا به چشم خرد بنگریم
-------------------------------------------------------	---------------------------------------------------

گفتار در وصف آفرینش عالم:

آب‌شور فکری شاعر در این سخنان، به خصوص فردوسی، اوستا و قرآن می‌باشد،
که دو بن‌مایه‌ی فرهنگی ایرانی است و بیان گر فلسفه‌ی آفرینش جهان است که از
آفرینش عقل اول نشات می‌گیرد.

- ۱ - (گفتار اندر وصف آفرینش عالم) در ۲۶ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

از آغاز باید که دانی درست	سرمایه‌ی گوهان از نخست
---------------------------	------------------------

که یزدان ز ناچیز چیز آفرید بدان تا توانایی آرد پدید

۲ - (گفتار اندر آفرینش کائنات) در ۳۵ بیت در ظفرنامه:

خدا خواست از کبریایی خویش	نماید ظهور خدایی خویش
---------------------------	-----------------------

که گنجی نهان بود پروردگار چنان خواست گردد نهان آشکار

گفتار اندر آفرینش مردم:

جان مایه‌ی این قسمت از آغاز بندی نگرش شاعر به نقش مردم در شکل گیری جوامع بشری است و حضور و تاثیر مذهب و تاثیر مردم از آن در سروده‌های شعراء به خوبی پیداست.

- ۱- (گفتار اندر آفرینش مردم) در ۱۶ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

چو زین بگذری مردم آمد پدید شد این بندها را سرسر کلید

سرش راست بر شد چو سرو بلند به گفتار خوب و خرد کاربند

۲- (گفتار اندر ستایش مردم) در ۲۵ بیت در گرشاسب نامه:

کنون زین پس از مردم آرم سخن که گیتی تمام اوست ز آغاز و بن

به گیتی درون جانور گونه گون بسند از گـمان و ز شـمردن

۳- (گفتار اندر آفرینش انسان) در ۲۶ بیت در ظفر نامه:

هوای که شد نامیه نام آن	نبودش جز این قدرتی در جهان
چو بی قال می‌کرد عرفان به حال	نمی‌یافت عرفان زکارش کمال
۴ - (گفتار اندر تمثیل جوارح انسان) در ۵۳ بیت در بهمن نامه :	
تو را پیش یزدان بهانه نمایند	کس اندر جهان جاودانه نمایند
ز دانش در فشی برافراخته است	تن تو بسان سپه ساخته است

گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه:

این قسمت اشاره به قدرت پرور دگار در آفرینش آفتاب و ماه و نقش آنها در زندگی بشر دارد.

تشبیهات و استعاراتی که شعراء در این قسمت به کار می‌برند قابل توجه است.

زیاقوت سرخ است چرخ کبود	نه از آب و گرد و نه از باد و دود
به چندین فروغ و به چندین چراغ	بیاراسته چون به نوروز باغ
۱ - (گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه) در ۱۴ بیت در شاهنامه فردوسی:	
چو دریاست این گنبد نیلگون	زمین چون جزیره میان اندر و بیرون
شب و روز بر وی چو دو موج بار	یکی موج از او زرد و دیگر چو غار
۲ - (گفتار اندر صفت آسمان) در ۱۳ بیت در گرشاسب نامه:	

گفتار اندر ستایش و معراج پیغمبر(ص):

ستایشی است عاشقانه از پیامبر خاتم که هر شاعری در این قسمت سعی می‌کند تا تمامی بنایهای شاعری خویش را خرج کند تا مقام شامخ پیامبر را بستاید و دیدگاه مذهبی خویش را بروز دهد

۱ - (گفتار اندر ستایش پیغمبر) در ۱۸ بیت در شاهنامه فردوسی:

در رستگاری باید جست

تورا دانش و دین رهاند درست

نخواهی که دایم بوی مستمند

و گردد نخواهی که باشد نژند

دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

به گفتار پیغمبرت راه جوی

۲ - (گفتار اندر نعت نبی اکرم) در ۲۰ بیت در گرشاسب نامه:

محمد فرستاده و بهترش

ثنا باد بر جان پیغمبرش

جهان یکسر از بهر او شد

که بد بر دل دین یزدان کلید

۳ - (گفتار در نعت خواجهی کاینات) در ۲۵ بیت در شرف نامه:

فرستادهی خاص پروردگار

رساندهی حجت استوار

گرامی تر از آدمی زادگان

گرانمایهی تاج آزادگان

۴ - (گفتار در معراج پیغمبر) در ۷۷ بیت در شرف نامه:

شبی کاسمان مجلس افروز کرد

سرا پردهی هفت سلطان سریه

برآمده گوهر به چینی حریر

شبوی دعوی روز کرد

۵ - (گفتار در نعت پیغمبر (ص)) در ۵۲ بیت در حمله‌ی حیدری نامه:

محمد که ایزد ثنا خوان اوست

خداآوند عالم رضا جوی اوست

۶ - (گفتار در مبعوث شدن حضرت ختمی مرتبت) در ۹۵ بیت در حمله‌ی حیدری نامه:

که شد دور احمد محکم ایزدی

بدور آر آن ساغر سروری

بساط کهن در نور دیده شد

(حمله‌ی حیدری نامه، ص ۷)

۷ - (گفتار در نعت سید المرسلین) در ۳۲ بیت در ظفرنامه:

چو آدم بیامد به روی زمی

پادید آمد از نسل او آدمی

شد از آدمی مومن اشرف به ذات

چو عابد به مومن به اندر صفات

۸ - (گفتار در ستایش مقام نبوت) در ۴۰ بیت در خاوران نامه:

شـهـ انبـيـا سـيـدـ المـرسـلـينـ	شـفـيـعـ شـفـيقـ رـسـوـلـ اـمـيـنـ
امـامـ دـوـ مـحـرـابـ وـ ذـوقـبـلـتـيـنـ	نبـىـ الـهـدـىـ مـهـتـدـىـ الـخـالـقـيـنـ
-۹- (گفتاردر وصف معراج پیغمبر) در ۸۸ بیت در خاوران نامه:	
سعـادـتـ مـسـاعـدـ بـهـ بـختـ سـعـیدـ	خـجـسـتـهـ شـبـیـ خـوـشـتـرـ اـزـ رـوزـ عـیدـ
سوـیـ طـایـرـ سـدـرـهـ آـمـدـ خـطـابـ	زـ دـیـوانـ سـلـطـانـ يـوـمـ الـحـسـابـ
-۱۰- (گفتاردر خطاب به حضرت مصطفی (ص)) در ۲۴ بیت در خاوران نامه:	
چـوـ بـیـتـ الـحـرـمـ روـضـهـ اـتـ مـحـترـمـ	زـهـیـ مـکـیـ اـحـرـامـ يـشـرـبـ حـرـمـ
هـمـهـ عـمـرـهـ حـقـ باـ صـفـایـتـ دـرـستـ	صـفـاـ مـرـوـهـ رـاـ دـائـمـ اـزـ سـعـیـ توـسـتـ

گفتار اندر فراهم آوردن کتاب:

دلایل شاعر است به زبان شعر با بیان منطقی و گاه معنوی در جهت خلق اثری که به نظر وی بسیار تاثیرگذار و کم نظیر است.

سـخـنـ هـرـچـهـ گـوـیـمـ هـمـهـ گـفـتـهـ اـنـدـ	بـرـ بـاغـ دـانـشـ هـمـهـ رـفـتـهـ اـنـدـ
اـگـرـ بـرـ درـخـتـ بـرـوـمـنـدـ جـایـ	نـیـابـمـ کـهـ اـزـ بـرـ شـدـنـ نـیـسـتـ رـایـ
-۱- (گفتار اندر فراهم آوردن) شاهنامه در ۱۸ بیت:	
یـکـیـ کـارـ جـسـتـمـ هـمـیـ اـرجـمنـدـ	کـهـ نـامـ شـودـ زـوـبـگـیـتـیـ بـلـندـ
اـگـرـ نـامـهـ رـفـتـنـمـ رـاـ نـوـیدـ	دـهـنـدـ اـینـ دـوـ پـیـکـ سـیـاهـ وـ سـپـیدـ
بـرـفـتـنـ بـوـدـ خـوـشـ دـلـ شـادـ مـنـ	بـهـ نـیـکـیـ کـنـدـ هـرـکـسـیـ يـادـ مـنـ
-۲- (گفتار اندر سبب گفتن قصه) در ۳۴ بیت در گرشاسب نامه:	

بـیـاـ سـاقـیـ اـزـ سـرـ بـنـهـ خـوـابـ رـاـ	مـیـ نـابـ دـهـ عـاشـقـ نـابـ رـاـ
مـیـ کـوـ چـوـ آـبـ زـلـالـ آـمـدـهـ سـتـ	بـهـ هـرـ چـارـ مـذـهـبـ حـلـالـ آـمـدـهـ سـتـ
-۴- (گفتاردر شرف نامه بر دیگر نامه ها) ۱۲۵ بیت در شرف نامه نظامی:	

۵- (گفتار اندر سبب نظم کتاب) در ۲۲۵ بیت در ظفرنامه:

اگر بر بهره ور گشته ای از خرد	الا ای شناسنده نیک و بد
به چشم دل و خاطر دور بین	به روشن ضمیر و به رای رزین
به از کائنتات آمد اندر زمی	نگه کن بیین تا چرا آدمی

گفتار اندر ستایش سلطان وقت :

گفتاری است به نظم در مدح پادشاه مورد حاجت شاعر که بیشتر از لحاظ مادی شاعر را تحت تاثیر و تقویت قرار می‌دهد. هرچند در مواردی شعرایی مثل فردوسی با اکراه بسیار دست به مধحی ظاهری زدند.

۱- (گفتار اندر ستایش سلطان محمود) در ۴۹ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

چنانو مرزبانی نیامد پدید	جهان آفرین تا جهان آفرید
زمین شد به کردار تابنده عاج	چو خورشید بر چرخ بنمود تاج

۲- (گفتار اندر ستایش شاه بودلف) در ۷۰ بیت در گرشاسب نامه:

بیارم گل دانش آرم بیمر	کنون زابر دریای معنی گوهر
که زیباست مر خسروی گاه را	فزایم زجان آفرین شاه را

۳- (گفتار در مدح نصرت الدین ابوبکر محمد) در ۷۵ بیت در شرف نامه:

جهان پهلوان نصرت الدین که هست	بر اعدای خود چون فلک چیره دست
مخالف پس اندیش و او پیش بین	بد اندیش کم مهر و او بیش کین

۴- (گفتار در خطاب زمین بوس) در ۲۸ بیت در شرف نامه:

جهان خسروا زیر هفت آسمان	طرفدار پنجم تویی بی گمان
جهان را به فرمان چندین بلاد	ستون در توسست ذات العمامد

۵- (گفتار اندر ستایش سلطان محمد) در ۹۵ بیت در بهمن نامه:

فژون گشته ده سال تا روزگار
برآشفت بر نامور شهریار

سرتاجداران ملکشاه شاه
از آن که که شد سوی آن بارگاه

این سبک آغاز بندی در شاهنامه به طور کلی با تغییراتی چند بعدها در تمامی منظومه‌های
حمسی رعایت شد و حتی در بعضی منظومه‌ها ابیات شاهنامه عیناً تکرار شد.

فردوسی موحد، خردگرا، حکیم، متدين به دین اسلام و مذهب تشیع است. از
بی احترامی به خلفای نخستین می‌پرهیزد. حقوق دقیقی و دیگران را که پیش از او
اقدام به سرودن شاهنامه کرده‌اند نگه می‌دارد. از لطف ایران دوستان برخوردار می‌شود
و سرانجام ناگزیر کتاب را به محمود غزنوی تقدیم می‌کند. پس از فردوسی دیگر
شعراء هر چه سروبدند حمسه‌ای تصنیعی بود. شاید به جرأت بتوان گفت، شاهنامه و
گرشاسب نامه و تا حدی شرف نامه انسجام بیشتری نسبت به دیگر حمسه‌ها داشتند.
البته در آغاز بندی منظومه‌های حمسی موضوعات دیگری نیز مطرح شد که نشانگر
نگرش مذهبی شاعر و گاه تمایل بیشتر او به دربار آن زمان بود که در این نوشتار سعی
شد بیشتر مشترکات این ۱۰ منظومه با هم تطبیق داده شود.

نتیجہ گیری

شاہنامه فردوسی اساس قیاس تمامی منظومه‌های حماسی است مرجعی است تمام و کمال که بسیاری از نویسندهان صاحبان منظومه‌های حماسی در سرایش منظومه‌های خود راه او را پوییده‌اند. بعضی مانند اسدی طوسی در آغاز منظومه‌های خود عیناً ویژگی‌های شاہنامه را لحاظ کرده‌اند و دسته‌ای دیگر سعی نموده‌اند محتوای داستانی شاہنامه را در منظومه هایشان لحاظ کنند. البته این مقاله چون در راستای مقایسه‌ی آغاز بندی ۱۰ منظومه‌ی حماسی است بیشتر این موضوع را مورد چالش قرار می‌دهد. اما نکته‌ی سیار چشمگیر در نگاهه، کاووشگر آن به آغاز بندی این منظومه‌های حماسی،

۲۳۰

بازتاب نگرش مذهبی سرایندگان آن است که به راحتی می‌توان تفکر اشعری و معتزلی در میان ابیات آغاز منظومه دریافت. جدای از منظومه‌هایی مثل حمله (حیدری نامه) در دیگر منظومه‌ها سراینده به راحتی افکار و اعتقادات خود را بروز نمی‌دهد. گویی فضای جامعه به گونه ایست که نگاه خاص مذهبی سراینده خیلی همسو با جریان مذهبی و عرف جامعه نیست همانگونه که در (شاهنامه‌ی استاد طوس) می‌بینیم یا (گرشاسب نامه‌ی اسدی طوسی)، در دیگر منظومه‌ها نیز مثل بروزونامه، فرامرز نامه و جهانگیر نامه شاعر بی هیچ طول و تفصیلی پس از حمد خدا به اصل داستان وارد می‌شود که به عقیده‌ی نگارنده، این موضوع در مورد شاعر و جامعه او، روانشناسی و جامعه‌شناسی خاصی را نشان می‌دهد که در جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما آنچه از این پژوهش حاصل می‌شود این است هر چه از حماسه و آثار حماسی پس از شاهنامه‌ی فردوسی تألیف می‌شود گویی ثمری چند بود بر درختی تنومند و پربار که هر چند شاخ و برگ و ثمر این درخت حماسه بر اثر مرور زمان رنگ باخت اما ریشه‌ی این درخت پربار که حاصل تفکر و تدبیر بی نظیر استاد طوسی است تا جهان شعر و ادب برقرار است بر صفحه‌ی ادبیات ایران جهان خودنمایی می‌کند.

فهرست منابع

- ۱- اسدی طوسی، گرشاسب نامه، چاپخانه بروخیم، تهران، ۱۳۱۷

۲- ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، براساس چاپ مسکو، انتشارات سوره‌ی مهر، تهران، ۱۳۷۷

۳- ابن حسام، محمد بن حسام الدین، خلاصه‌ی خاوران نامه، تصحیح مرادی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲

۴- ایران شاه ابن الخیر، بهمن نامه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰

۵- حمدالله مستوفی، ظفرنامه، تصحیح مهدی هدایتی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۰

۶- خواجهی کرمانی، سام نامه، تصحیح دکتر میترا مهرآباد، دنیای کتاب، تهران ۱۳۸۲

۷- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط، به کوشش دکتر ستوده، دکتر مهرکی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵

۸- صفا، ذبیح‌الله، حمامه سرایی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴

۹- عطایی رازی، بروزنامه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۲

۱۰- قاسم مادح، جهانگیرنامه، به کوشش دکتر سجادی، مقدمه‌ی دکتر محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰

۱۱- میرزا محمد رفیع، متخالص به باذل، حمله‌ی حیدری نامه، تهران، کانون کتاب، ۱۳۵۷

۱۲- نظامی گنجوی، شرفنامه، تصحیح دکتر وحید دستگردی و سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸